

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۸۴ - ۲۶۷

## آثار تقوای جمعی بر تهذیب نفس در جامعه اسلامی

۱ ابراهیم ابراهیم سلیم

۲ سیامک جعفرزاده

۳ رضا نیکخواه

### چکیده

پرورش فضیلت‌های اجتماعی که برآیند توجه به فضائل فردی است، یکی از مهمترین آموزه‌های کتاب‌های مقدس ادیان است، قرآن جهت حفظ و پرورش فضایل فردی اوامر و نواهی شرعی را برای حفظ شخصیت انسانی و رشد آن مطرح کرده و با ارتقای سطح تعالیم کتاب مقدس، فصل جدیدی از تعامل و رویکردهای اخلاقی در روابط انسانی ایجاد کرده است، تورات کتاب مقدس دیگری است که از این بعد مورد مطالعه قرار گرفته است، اما بر خلاف قرآن، در قانون اخلاقی تورات بین شخص یهودی و غیریهودی دیواری از تمایز وجود دارد که سبب عدم امکان تعمیم تعالیم آن به همه نوع بشر شده است، در تعالیم آن آمده است: مهر و عاطفه یهودی نباید به سطح غریبه‌ها برود، در این تعالیم مثلاً سود ربا برای هم کیش خود ممنوع و برای غیر هم کیش مجاز دانسته شده است و در موارد متعددی پیروان سایر ادیان را دون افراد یهودی و از آنها به عنوان برده و کنیز یاد شده است. در این تحقیق بین تعالیم قرآن و تورات در خصوص فضایل فردی و اجتماعی مقارنه‌ای صورت گرفته و در آن سعی شده است به دور از تعصب مذهبی و بر پایه حقایق، زمینه را برای دستیابی مخاطبان به تفاوت دیدگاه قرآن و تورات در این زمینه فراهم کند.

### واژگان کلیدی

فضایل، فردی و اجتماعی، تعالیم تورات، تعالیم قرآن.

۱. دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

Email: i.ibrahimsalim@urmia.ac.ir

۲. دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: s.jafarzadeh@urmia.ac.ir

۳. دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

Email: R.nikkhah@urmia.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۶/۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۹

## طرح مسأله

در تبیین ضرورت پرداختن به موضوع تقوای جمعی همین بس که فقدان رعایت این مهم در جامعه اسلامی از صدر اسلام تاکنون ضربات مهلک و جبران ناپذیری را به بدنه اسلام و جامعه مسلمین وارد نموده است. بنابراین احیای گفتمان تقوای جمعی در جامعه و پرداختن به ابعاد مختلف آن، برای آحاد ملت در نظام اسلامی با آن همه دشمنی‌های بی حد و حصری که دارد و هشدار نسبت به عواقب شوم فقدان تقوای جمعی به نظر از ضروریاتی است که نیاز به تحقیق و تبیین فراوان دارد. تقوای جمعی را می‌توان بسا ن یک طیف ملاحظه نمود که از گروه‌های کوچک اجتماعی تا سطح عالیترین نهاد اجتماعی یعنی جامعه اسلامی را شامل می‌گردد. و از آنجا که هر جمعی را رهبری است تا به اهداف گروهی و از پیش تعیین شده به بهترین وجه نایل گردند، جامعه اسلامی نیز به عنوان بزرگترین جمع، دارای رهبر است. ستون خیمه جامعه اسلامی در زمان غیبت طبق مبانی اعتقادی ما ولیّ فقیه است که مهمترین راهنما برای رسیدن جامعه به تقوای جمعی می‌باشد.

تقوا در بعضی آیات قرآن و احادیث و نهج البلاغه به عنوان یک ارزش مثبت معرفی شده است، نه منفی تقوا فقط به معنای ترک گناه نیست، بلکه عبارتست از یک نیروی درونی و قدرت ضبط نفسانی که در اثر تمرین و ریاضتهای مداوم برای نفس حاصل می‌شود و نفس را آن‌چنان نیرومند می‌سازد که مطیع فرمانهای الهی خواهد بود. آن‌چنان نیرومند می‌شود که در برابر خواسته‌ها و تمایلات غیر مشروع نفسانی مقاوم و پایدار و ثابت‌قدم خواهد بود. در مورد تقوا و تزکیه نفس، کتاب‌ها و مقالات فراوانی از جمله تقوا و تزکیه نفس، تقوا گام نخست تزکیه از منصور رجب زاده و ... نگارش شده و موضوع تقوای جمعی از موضوعاتی است که از چند سال پیش چندین مرتبه توسط حضرت امام خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع مسؤولان نظام و یا مردم مطرح و مطالبه گردید ولی با بررسی و تحقیقی که اینجانب نمودم متأسفانه علیرغم اهمیت و ضرورتی که داشته در مجامع علمی به صورت یک کار تحقیقی و یا در قالب کتاب مورد توجه و کنکاش قرار نگرفته است و صرفاً در بعضی از مقاطع زمانی در قالب سخنرانی، مصاحبه خبری و یا یک مقاله ساده به آن اشاره شده است. می‌توان ادعا کرد که موضوع جدیدی است و بر حسب اهمیتش جای فکر و کار و تحقیق فراوان دارد بنابراین در این تحقیق تلاش شده به تأثیرهای تقوای جمعی بر تزکیه نفس جامعه اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

## ۱. مفهوم شناسی تقوای جمعی

برای تبیین معنا و ماهیت تقوای جمعی ابتدا لازم است چپستی مفاهیم «تقوا» و «جمع» را بررسی کنیم و سپس منظور از ترکیب «تقوای جمعی» را ارائه نماییم.

### ۱-۱. تقوا

کلمه «تقوا» در لغت آنگونه که راغب<sup>۱</sup> بیان نموده از «وقایه»، به معنی حفظ شیء است، از آن چه به او زیان برساند. به عبارت دیگر تقوا به معنای آن است که انسان خود را از آنچه می ترسد در محفظه ای قرار دهد. در یک کلام و به طور خلاصه تقوا یعنی خود را نگهداشتن. این که انسان خود را از زشتی ها و بدی ها و آلودگی ها و گناهان حفظ نموده و برکنار سازد. در تأیید این نکته که «وقایه» به معنای حفاظت و نگهداری از شرور و آفات و زیان است، به چند آیه می توان استناد کرد؛ مانند: *فَوَقَّهْمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّهْمُ نَصْرَةً وَ سُرُورًا*؛ یعنی خدا هم از شر و فتنه آن روز آنان را محفوظ داشت و به آنها روی خندان و دل شادمان عطا نمود<sup>۲</sup>. و نیز: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا»؛ یعنی خود و خانواده خویش را از آتش دوزخ نگاه دارید<sup>۳</sup>. همچنین می فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» از خدا بترسید، چنانچه شایسته خدا ترس بودن است<sup>۴</sup>. تقوا از چنان جایگاهی برخوردار است که خداوند متعال در قرآن آن را عامل سعادت و رستگاری انسان معرفی نموده و رعایت آن را مورد تأکید فراوان قرار داده است. خداوند در ابتدای سوره بقره می فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» یعنی آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است<sup>۵</sup>.

### ۱-۲. چپستی «جمع»

در مورد واژه «جمع» و یا «گروه» می توان گفت جامعه شناسان تعریف واحدی را درباره آن به توافق نرسیده اند. ولی به عقیده «بروس کوئن» که از مشاهیر علم جامعه شناسی به شمار می آید شاید بتوان پذیرفت بهترین تعریف را برای واژه جمع و یا گروه به این صورت ارائه کرد: «گروه مرکب از تعدادی از انسانهاست که با یکدیگر روابط متقابل داشته، از عضویت خود

۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق سید غلامرضا خسروی، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص.

۲. سوره دهر/۱۱.

۳. سوره تحریم/۶.

۴. آل عمران/۱۰۲.

۵. بقره/۲.

در یک جمع که اعضای آن از یکدیگر انتظار اعمال و رفتار مشترکی دارند، آگاهند<sup>۱</sup>. وی معتقد است جامعه‌شناسان ضمن مطالعه گروه‌های اجتماعی، سه نوع گروه و جمع بنیانی را معرفی نموده‌اند:

نوع اول هرگونه تجمع انسانی که افراد در کنار هم قرار گرفته باشند. مانند مسافرانی که با هم در یک هواپیما مسافرت می‌کنند و یا تماشاگران بازی فوتبال و ... که تنها وجه مشترک برجسته میان آنان این است که همگی، به طور اتفاقی، در یک زمان و در یک مکان، با انگیزه واحدی جمع شده‌اند.

نوع دوم گروه به تعدادی از افراد اطلاق می‌شود که ویژگی‌های مشترکی دارند. مانند افرادی که یک گروه همسن و سال را تشکیل می‌دهند یا زمینه‌های مشترک قومی، نژادی، شغلی یا جنسی دارند.

سومین نوع گروه عبارت است از تعداد افرادی که در نوعی الگوی سازمان یافته‌ی روابط متقابل و منظم سهیمند. مانند اعضای یک گروه که به یک مسلک، یک باشگاه ورزشی یا یک اتحادیه ملی تعلق دارند و در الگوهای سازمان یافته روابط متقابل شریکند.

### ۱-۳. تعریف تقوای جمعی

«تقوای جمعی» را می‌توان اینچنین تعریف نمود: «هرگاه گروه معین اجتماعی، عمل صالحی را که به صورت فردی امکان تحقق خارجی ندارد، برای رضای الهی انجام دهند». تقوای جمعی در واقع حالت و ملکه‌ای نفسانی در اعضای یک گروه مقید ارزشی است که به جای منفعت «من فردی»، مصلحت «من اجتماعی» و «جامعه» را مقدم داشته و همواره با نگاه آسیب‌شناسانه درصدد اصلاح، رشد، پیشرفت و نیل به اهداف عالی‌ی جمع و یا جامعه خود هستند. تعریف مختصر و مفیدی را نیز حضرت امام خامنه‌ای از زاویه‌ای دیگر در این زمینه بیان فرموده‌اند: «تقوای جمعی این است که جمعها - جمع به حیث جمع - مراقب یکدیگر باشند»<sup>۲</sup>. به عبارتی دیگر لازم است اعضای یک گروه و یا یک جامعه نسبت به اعمال و رفتار یکدیگر بی تفاوت نبوده و دائماً با کنترل‌های لازم، جمع را از دچار شدن به آسیبها، واکسینه و یا از انحرافات پیش آمده، نجات دهند و همچنین از طرفی دیگر همدیگر را در دستیابی به اهداف گروه یاری رسانند.

۱. بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت، هفدهم، ۱۳۸۵، ص. ۱۲۹.

۲. سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع مسئولان نظام، حسینیه امام خمینی، ۱۳.

#### ۴-۱. تفاوت «تقوای جمعی» با «تقوای فردی»

برای تبیین تفاوت این دو نوع تقوا و نیز برای ایجاد ذهنیت بیشتر، ابتداء از باب تشبیه معقول به محسوس از یک مثال ساده استفاده می‌کنیم:

آب و شکر و آبلیمو سه ماهیت کاملاً متفاوت و مستقل از یکدیگرند که هر یک به تنهایی دارای اثر خاصی می‌باشند ولی ترکیب آنها یک ماهیت جدید و مستقلی را ایجاد می‌کند به نام شربت آبلیمو که آن معجون، دیگر نه آب است و نه شکر است و نه آبلیمو.

تک تک افراد باتقوا نیز در جامعه اسلامی هر چند در جایگاه خود دارای اثری هستند و مفید می‌باشند و مجموعه‌ای از افراد را که دارای تقوای فردی هستند را تشکیل می‌دهند ولی لزوماً آن جامعه را نمی‌توان دارای کارکرد تقوای جمعی نیز دانست. زیرا تقوای جمعی دارای معیارها و ویژگیها و آثار خاصی است که در عملی که صرفاً بر اثر تقوای فردی شکل می‌گیرد وجود ندارد. به عنوان مثال جامعه‌ای که اعضای آن، هر یک به تنهایی دارای تقوای فردی هستند و به عبارتی دیگر هر کس به دنبال نماز و روزه و سایر عبادات شخصی خود است و کاری به کار اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی کشور ندارد، ممکن است چندین ملت بتوانند با حکومت طاغوت نیز کنار بیایند ولی ملتی که دارای تقوای جمعی باشند، تاب تحمل حکومت طاغوت را نخواهند داشت و از این رو بود که انقلاب اسلامی ایران، تنها با تقوای جمعی ملت بزرگش و تحت رهبری ابراهیم‌گونه و قائد بت شکن خود، حضرت امام روح الله الموسوی الخمینی توانست که قابلیت شکل‌گیری پیدا کند. و ناگفته پیداست که رمز تداوم و بقاء آن انقلاب نیز در همین مطلب است.

در ادامه به بخشی از تفاوت‌های این دو نوع تقوا اشاره می‌کنیم.

#### ۴-۱-۱. تفاوت در ماهیت

«تقوای فردی» همانگونه که در تعریف واژه «تقوا» بیان شد یک نوع ملکه نفسانی و خودکنترلی شخصی است که منجر به ترک معاصی و انجام اعمال صالح در حوزه شخصی می‌گردد. ولی «تقوای جمعی» مربوط به عمل یا اعمال صالحی است که به صورت گروهی و با اهداف مقدس انجام می‌شود. با این توضیح که آن عمل، به صورت فردی یا قابل انجام نمی‌باشد و یا آن اثر مطلوب حرکت جمعی را به دنبال نخواهد داشت.

#### ۴-۱-۲. تفاوت در آثار

آثاری که از تقوای جمعی ایجاد می‌گردد قابل مقایسه با موارد مشابه آن در تقوای فردی نیست. در این خصوص می‌توان به برخی از آثار ذیل اشاره نمود: همین که عده‌ای با هم و در کنار هم عمل صالحی را انجام می‌دهند، خود باعث قوت قلب هر یک از دیگر اعضای گروه می‌

باشد که این امر در عمل فردی، اساساً متصور نیست.

از خستگی و کسالت، زدگی و سرخوردگی، جا زدن و ناامید شدن احتمالی جلوگیری می‌کند، به ویژه اگر جمع دارای رهبری شجاع و مقتدر، مدیر و مدبّر، آگاه و متعهد، کاردان و متخصص باشد؛ در حالی که در اعمال فردی، پیشامد امور فوق‌الذکر به دلایل بسیار روشن و بدیهی، قابل تحقق و در دسترس است.

هر یک از اعضای گروه، با دیدن آثار مبارک با هم بودن، انگیزه‌ی تلاش و پشتکار بیشتر و تداوم آن عمل با قدرت و قوّت مضاعف، در پرتو هم‌افزایی بهتر، در بینشان به وجود می‌آید که این امر هم در اعمال فردی متصور نمی‌باشد.

می‌توان به افزایش تأثیر رعب و وحشتی که در دل فرد و یا گروه مقابل در جاهایی که به عنوان مثال، نهی از منکر صورت می‌گیرد و همچنین در برابر دشمنان و بیگانگان نیز اشاره نمود.

وقتی عده‌ی زیادی عمل صالحی را با هم انجام می‌دهند، ناخودآگاه در میان کسانی که تا قبل از آن، انگیزه و یا حتی علاقه‌ای به انجام آن عمل صالح را نداشتند ایجاد می‌گردد.

به عنوان مثال وقتی در سازمانی اعلام می‌شود که هرکس علاقه مند است در همایش پیاده روی اربعین شرکت نماید و یا اینکه در صندوق خیرین سازمان عضو شود و ماهانه مبلغی از حقوق خود را برای فقرا و نیازمندان بپردازد و در این میدان عده‌ی قابل توجهی از همکاران برای این امور خیر اقدام نمایند، طبعاً سایر همکارانی که تا قبول از آن مردّد بودند که مشارکت داشته باشند یا نه، انگیزه حضور می‌یابند.

### ۱-۵. ذکر مصادیقی از تقوای فردی و جمعی

نماز فرادی در مقایسه با نماز جماعت و جمعه؛

عمره مفرده در مقایسه با حج تمتع؛

امر به معروف و نهی از منکر یک نفری در مقایسه با انجام این فریضه به صورت گروهی؛  
پیاده روی تک نفری در مقایسه با راهپیمایی و همایش عظیم اربعین حسینی و یا شرکت در راهپیمایی‌های مهمی از جمله روز جهانی قدس، روز مبارزه با استکبار جهانی، سالگرد پیروزی باشکوه انقلاب اسلامی و ....؛

## ۱-۶. تہذیب نفس و تزکیہ

تہذیب به معنای تزکیہ از ریشہ (زَکَّ وَ) و در لغت به معنای پاکیزہ گردانیدن، بی آرایش کردن، ستودن، زکات دادن است<sup>۱</sup> تزکیہ نفس در اصطلاح واژہای مطرح در فرهنگ تربیتی قرآن و اصطلاحی در علم حدیث و امر قضا کہ از آن مفہوم پاکسازی ارادہ می شود است. و از آنجا کہ امکان رشد منوط بہ نبود آفات و موانع و وجود شرایط است بہ معنای پاکی نفس از اوصاف رذیلہ (موانع رشد) و آرایش آن بہ صفات جمیلہ (شرایط رشد) معنا شدہ است<sup>۲</sup>. و در اصطلاح اخلاق و عرفان، عبارت است از تطہیر و پاکسازی نفس از اخلاق ناپسند و آلودگی‌های اخلاقی بہ منظور گام برداشتن در جہت فضائل اخلاقی کہ در نہایت موجب کمال و سعادت واقعی در دنیا و آخرت میشود<sup>۳</sup>.

امام علی(ع) با توصیه بہ تقوا میفرماید: «خداوند شما را بہ تقوا سفارش کردہ و آن را آخرین مرحلہ خشنودی خویش از بندگان قرار دادہ است، در برابر خداوندی پرهیزکاری پیشہ کنید کہ ہموارہ در پیشگاہ او حاضرید، اگر کار خود را پنهان کنید می داند و اگر آشکار سازید می نویسد»، این سخن امام(ع) مطابق آیات قرآن است.

حقیقت این است کہ تقوا احساس مسئولیت از درون است؛ از یک سو زاییدہ ایمان قوی است و از سوی دیگر سرچشمہ اطاعت و پرهیز از گناہ است.

تزکیہ نفس از رذایل اخلاقی و شہوات نفسانی بہ جہت آثار و فوایدی کہ برای انسان دارد مورد توجہ تمام ملت‌ها و ادیان الہی بودہ و آنان برای تحصیل این امر از روش‌های گوناگونی بہرہ می‌جستہ‌اند. اہل کتاب یعنی یہود، نصاری و مجوس نیز بہ تزکیہ نفس اهمیت زیادی دادہ و در کتب آنان دستورهای فراوانی برای اصلاح نفس و تہذیب آن از شہوات وجود دارد؛ چنان کہ قرآن کریم در آیاتی بہ برخی اعمال آنان برای تہذیب نفس همچون تلاوت آیات الہی و خواندن نماز در نیمہ‌های شب<sup>۴</sup> گوشہ‌گیری از مردم برای عبادت و خودسازی<sup>۵</sup> ترک دنیا و انتخاب رہبانیت اشارہ کردہ است<sup>۶</sup>. اسلام نیز برای تزکیہ نفس و تطہیر پیروان خود از آلودگی‌های کفر و گناہ و اخلاق ناپسند اهمیت زیادی قائل شدہ کہ این امر را از موارد ذیل می‌توان استفادہ نمود:

تزکیہ هدف بعثت انبیا، خداوند بہ مسلمانان می‌گوید: ما بہ سوی شما پیامبری فرستادیم تا

۱. فرهنگ فارسی معین، محمد معین، ج اول، ص ۷۹۳.

۲. نراقی، احمد، معراج السعاده، ج اول، ص ۶۵.

۳. دائرہ المعارف تشیع، ج ۴، ص ۲۳۶.

۴. سوره آل عمران / آیه ۱۱۴.

۵. سوره مریم / آیه ۱۶.

۶. علامہ طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۶.

با تلاوت آیات الهی شما را از آلودگیها پاک سازد<sup>۱</sup>. در آیه‌ای دیگر خداوند بر فرستادن رسولان خویش برای تزکیه بشر بر آنان منت نهاده است<sup>۲</sup>.

حضرت ابراهیم و اسماعیل دو پیامبر بزرگ الهی از خداوند تقاضای فرستادن رسولانی می‌کنند تا نسل و ذریه آنان را از آلودگیها پاک نماید<sup>۳</sup> و در آیه‌ای دیگر خداوند موسی(ع) را با پیام دعوت به تزکیه به سوی فرعون می‌فرستد<sup>۴</sup>. از این آیات بدست می‌آید که تزکیه و طهارت نفس یکی از عمده‌ترین اهداف تمام رسولان الهی بوده است.

رستگاری در گرو تزکیه: رسیدن به فلاح آخری از بالاترین اهداف مؤمنان است که قرآن راه دستیابی به این هدف را از مبارزه با هواهای نفسانی و تزکیه ذکر کرده است<sup>۵</sup>. همچنین قرآن در آیاتی دیگر مؤمنانی را رستگار دانسته است که در جهت تزکیه نفس تلاش می‌کنند<sup>۶</sup>. قرار دادن دادن خداوند، انبیاء را در زمره تزکیه کنندگان: امر دیگری که حکایت از اهمیت تزکیه و جایگاه والای آن در اسلام دارد این است که قرآن، خداوند و انبیاء الهی را در زمره کسانی قرار داده که وظیفه تزکیه بشر را بر عهده داشته و او را در این راه یاری می‌رسانند.

## ۲. آثار تقوای جمعی در شهروندان دینی

### ۲-۱. عدالت گستری

عدالت یعنی: مساوات و انصاف و میانه‌روی و رعایت حد اعتدال و این که در هر امری حد وسط را رعایت نمودن. بنابراین، عادل کسی است که نسبت به مردم از روی انصاف عمل کند و با نفس خود نیز انصاف داشته باشد و عدل یعنی: «نهادن هر چیز به جای خود و اعطای حق هر کسی آن طور که باید»<sup>۷</sup>. درحقیقت، عدالت اعطای حق به صاحبش و یا لحاظ کردن استحقاق طبیعی هر فرد یا شیء است و نقطه مقابل آن، ظلم، عدم ملاحظه استحقاق افراد و اشیاست. عدالت همان راستی و درستی و دادن حقوق افراد به صاحبان حق و ظلم، عدم ملاحظه این امور در اشیا یا اشخاص و هر چیز را از جای خود خارج کردن است. اما حضرت علی علیه‌السلام در تبیین واژه عدالت و ظلم نکات ظریفی را بیان داشته‌اند.

۱. سوره بقره/ آیه ۵۱.

۲. سوره آل عمران/ آیه ۱۶۴.

۳. سوره بقره/ آیه ۱۲۹.

۴. سوره نازعات/ آیه ۱۷ و ۱۸.

۵. سوره اعلی/ آیه ۱۴ و سوره شمس/ آیه ۹.

۶. سوره مؤمنین/ آیه ۴۱.

۷. فرهنگ معارف اسلامی، ص ۱۲۴۱.



آن حضرت، این دو لفظ را شبیه حق و باطل دانستند یعنی: عدالت و دادگری یک چهره دارد و ستم و ظلم دارای چهره‌های زیادی است.<sup>۱</sup>

توضیح این که عدالت همانند حق است که امر ثابت و معینی است. چهره عدالت روشن است؛ زیرا در همه جا با همان چهره واقعی خود ظهور و تجلی دارد. اما ظلم همانند باطل است که چهره‌های متعدد و گوناگون داشته و افراد را به شبهه می‌اندازد

دلیل این که اجرای عدالت و اقامه عدل دشوار است و ظلم نمودن به نفس یا به دیگران سهل و آسان، از همین فرمایش امام علی علیه السلام، روشن می‌شود: عدل، یک طریق و مسیر بیشتر ندارد ولی ظلم، طرق متعدد و مختلف دارد. این دو (عدل و ظلم) همانند به هدف خوردن و خطا رفتن در تیراندازی است. آنان که تیرشان به خطا می‌رود، بیشتر از افرادی هستند که تیرشان به هدف می‌خورد؛ زیرا به هدف نشستن تیر نیاز به تلاش و مهارت بیشتری دارد، ولی به خطا رفتن آن نیازی به این امور ندارد. این تشبیه و تعلیل زیبا و ظریف از امیر مؤمنان است.<sup>۲</sup>

البته مراد از کوشش و مهارت در اینجا همان کوشش در دینداری و مهارت در ایمان است. هیچ کس قادر نخواهد بود که تیر را به هدف برساند و اجرای عدل و اقامه قسط کند مگر آن که در دینداری و خداترسی و ایمان به حق، انسان وارسته‌ای باشد. این سخن حضرت علی علیه‌السلام اگر با تاریخ تمدن بشر تطبیق گردد نیازی به تفسیر ندارد؛ زیرا در طول تاریخ اگر اندک خدمتی به بشریت شده باشد، از جانب حاکمان عادل سر زده، عدالت از ایمان برمی‌خیزد و ایمان، اساس و پایه عدالت و عدل، ثمره و نتیجه ایمان است. تا انسان، دینداری خود را تقویت نکند و در خداترسی به درجاتی نرسد، در اجرای عدالت عاجز است؛ زیرا ممکن نیست مسلمانی ادعای ایمان داشته باشد و در عین حال عدالت را در زندگی خانوادگی و حیات اجتماعی زیر پا بگذارد. حضرت علی علیه‌السلام به عنوان اولین امام می‌فرماید: دادگری و عدالت در رأس ایمان و گرد آورنده احسان است.<sup>۳</sup>

در قرآن، عدالت جزء مهمترین رکن تقوا دانسته شده است. بنابراین میان ایمان و عدالت، پیوند ناگسستنی وجود دارد و هرگز نمی‌توان بین این دو تفکیک ایجاد نمود.

## ۲-۲. نزول برکات الهی

اقامه قسط و عدل موجب برکت است فراوانی نعمتها یا قحطی و کاسته شدن نعمات و برکات الهی، به اعمال و رفتار انسانها برگشت می‌کند. برخی از آیات قرآن کریم، به روشنی بر این

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۷۶.

۲. همان.

۳. عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱ ص ۸۴، ح ۱۷۳۳.

مطلب دلالت دارند: اگر مردمی که در شهرها و آبادیها زندگی می‌کنند ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشاییم ولی آنها حقایق را تکذیب کردند ما هم آنها را به کیفر اعمالشان، مجازات کردیم<sup>۱</sup>

میان تغییر طبیعت و اعمال انسانها روابط متقابل برقرار است؛ یعنی همانگونه که انسانها در فصل زمستان لباس گرم و در تابستان لباس سرد به تن می‌کنند، طبیعت هم از رفتار و اعمال انسانها تأثیر می‌پذیرد. اگر انسانها به ظلم و بی‌ایمانی و فساد و آلودگی روی آورند بلاهای آسمانی، فتنه‌های جنگ و درگیری، قحطی و خشکسالی آنان را فرا می‌گیرد<sup>۲</sup>. فساد و تباهی در خشکی و دریا ظاهر شد به خاطر آنچه که مردم با دستهای خود کسب کردند<sup>۳</sup>.

### ۲-۳. ظلم ستیزی

بی‌گمان بسیاری از امور جهان دارای دو وجه است. شاید برای همین است که خداوند، رستگاری را در نفی و اثبات «لااله الاالله» نهاده است؛ چرا که بی‌نفی خدایگان، هرگز نمی‌توان به خدای یگانه ای رسید که هستی را آفریدگاری و پروردگاری می‌کند. از این رو جهان زمانی رنگ و روی عدالت و دادگری را خواهد دید که ستمگری رخت بر بندد و دادخواهان به ستم ستیزان روی آورند، چرا که بی‌نفی ستم نمی‌توان امید به دادخواهی و عدالت‌گرایی داشت؛ زیرا نفی ستم در هر شکل و اندازه آن، زمینه تحقق و اقامه عدالت می‌باشد.

خداوند، عدالت را تنها در سایه سار نفی هر گونه ظلم و ستم‌گری در آدمی می‌داند و لذا هر گونه گرایش ولو اندک به ظلم را قبیح می‌شمارد و از آن نهی می‌کند. این بدان معناست که شخص نه تنها خود نباید اهل ظلم و ستم باشد، بلکه حتی نباید گرایش به ستمگران و ظالمان داشته باشد. از این رو می‌فرماید: «و به کسانی که ستم کرده اند متمایل مشوید که آتش دوزخ به شما می‌رسد و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود و سرانجام یاری نخواهید شد.»<sup>۴</sup>

گرایش به ظالم هر چند اندک حرام است و خداوند وعده آتش دوزخ را می‌دهد، پس هر گونه همکاری با ظالم، وضعیت بدتری دارد و خشم و انتقام الهی را نسبت به همکاری آن تشدید می‌کند.

ریشه بسیاری از ستمگری‌ها، خودخواهی است، شخص در پی آن است که به طریقی خود را حفظ کند. تمایلات خانوادگی نیز در همین قاعده می‌گنجد. تمایلات خانوادگی موجب می‌شود

۱. سوره اعراف/ آیه ۹۶.

۲. سوره روم/ آیه ۴۱.

۳. سوره شوری/ آیه ۲۹.

۴. سوره هود/ آیه ۱۱۳.

تا ناخواسته انسان گرایش به ظلم پیدا کند و حقی را تباه سازد. از این رو خداوند می‌فرماید: دادگری کنید، هر چند درباره خویشاوند شما باشد<sup>۱</sup>

این سخت‌گیری تا آن جایی است که مراعات عدالت را حتی نسبت به دشمنان لازم برمی‌شمارد و می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به دادگری برخیزید و به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است، و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.<sup>۲</sup>

بنابراین عدالت خواهی می‌بایست در رگ و ریشه شخص نفوذ کند تا خواسته و ناخواسته به اجرای آن قیام نماید. بخشی از عدالت خواهی در نفی ستمگری و گرایش به ستم و ستمگران نهفته است. بنابراین شخص عدالت خواه لازم است عدالت را در نفی ستم نیز بجوید. این نفی ستم هم در حوزه گفتار و هم در مقام عمل است. به این معنا که آن چه از عدالت خواهی و ستم ستیزی در خود به عنوان بینش دارد، در مقام گفتار نیز آورد و در مقام عمل انجام دهد. پس هرگاه ستم و ستمگری را دید، آن را با زبان انکار کند و به مقابله با آن برخیزد و در مقام اجرا و عمل نیز عدالت را انجام دهد.

براساس آموزه‌های الهی، انسان‌ها همان‌گونه که باید عدالت خواه و ستم ستیز باشند، باید در شرایطی که به ایشان ستم روا می‌شود دست بر روی دست نگذارند بلکه به مقابله با ستم و ستمگران برخیزند. به این معنا که ستم ستیزی به عنوان امری واجب بر شخص ستم شده و افراد جامعه است. هیچ‌کس نمی‌تواند به سبب این که در معرض ستم است و یا به وی ستم می‌شود، نسبت به ستم و ستمگران واکنش نشان ندهد و ستم‌پذیر باشد؛ چرا که ستم‌پذیری، خود گناهی نابخشودنی است مظلوم باید در برابر ظلم و ستم بایستد و تن به ظلم و پذیرش آن ندهد. از این رو براساس آموزه‌های قرآنی و اسلامی مظلوم می‌بایست انسان ستم ستیز بلکه ستم سوز باشد تا با مبارزه خود ریشه ستم و ستمگری را بسوزاند و از میان بردارد؛ چنان که امام حسین(ع) و یاران مظلوم وی در کربلا چنین کردند و علیه ظلم و ستم قیام کرده و ریشه‌های ظلم و ستم اموی را سوزاندند و ستم ستیزی و ستم سوزی را در جامعه اسلامی بلکه جامعه انسانی نهادینه کردند، به گونه‌ای که رهبران هندوی هند از آن حضرت(ع) برای مبارزات خویش الگو گرفتند و وی را سرمشق مبارزات خود قرار دادند، یکی از عوامل ارتقا تمدن‌ها از منظر قرآن ایمان است. ایمان به خداوند متعال، ایمان به حقایق غیبی که در ابتدای سوره مبارکه بقره هم به آن اشاره شده که می‌تواند محرک باشد و می‌تواند باعث پویایی بشود، خداوند متعال می‌فرماید: «و شما برترید اگر

۱. سوره هود/ آیه ۱۱۳.

۲. سوره انعام/ آیه ۱۵۲.

ایمان داشته باشید<sup>۱</sup> «در این آیه خداوند متعال صراحتاً برتری و پیشرفت را مرهون دینداری، مرهون ایمان دانسته که اگر این ایمان وجود داشته باشد چه بسا این برتری و پیشرفت حاصل خواهد شد» و «چنانچه مردم شهر و دیارها همه ایمان آورده و پرهیز کار می‌شدند همانا ما درهای برکاتی از آسمان و زمین را بر روی آنها گشودیم<sup>۲</sup>»

آنان گروهی از مردم دنیا بودند، در حالی که اهل آن نبودند، در دنیا چنان بودند که گویا در آن نیستند، مطابق آن چه به حقیقت درک می‌کردند عمل می‌کردند.<sup>۳</sup>

## ۲-۴. ولایت پذیری

حضرت علی علیه السلام به ویژگی مردانی زاهد که از اصحاب و یاران باوفای او بودند می‌پردازد که در تبعیت از ولایت مجاهده کردند و در حیات او به سرای جاوید شتافتند. از دیدگاه ایشان، یاران زاهد او، حقیقت را آن‌طور که بود درک کرده و بر طبق آن عمل می‌کردند. ابن ابی الحدید در معنای جمله «عملوا فیها بما یبصرون»، عمل به آن چه شایسته‌تر و اصلاح برای ایشان است را عنوان می‌کندهر چه تقوا بیشتر بشود جامعه جامع‌ی ولایت مدار می‌شود اگر ولایت مدار بشود زمینه برای ظهور آقا امام زمان عجل الله تعالی فرامهم میشود و این مانند گفتار دیگر حضرت علی علیه‌السلام است که اگر پرده‌ها برداشته شود بر یقین علی افزوده نمی‌گردد.<sup>۴</sup>

مقام معظم رهبری، ولایت را عامل شناخت حقیقت‌ها و تشخیص خط صحیح از خط انحرافی در واقع مبنای بصیرت و روشن بینی معرفی می‌کند: «اساسی‌ترین مسأله دین، مسأله ولایت است؛ چون ولایت، نشانه و سایه توحید است. ولایت، یعنی حکومت؛ چیزی است که در جامعه اسلامی، متعلق به خداست و از خدای متعال به پیامبر و از او به ولی مؤمنین می‌رسد. آن که در دنیا زهد ورزد، خداوند حکمت را در قلب او استوار می‌نماید و حکمت را بر زبانش جاری می‌کند و به او چشم بصیرت نسبت به عیوب دنیا می‌دهد. رهبر و پیشوا و بیان کننده راه خدا نیز کسی جز ولی خدا و پیامبر و امام معصوم نیست که در طول ولایت خدا بر امت ولایت دارند.<sup>۵</sup>

۱. سوره آل عمران / آیه ۱۳۹.

۲. سوره اعراف / آیه ۹۶.

۳. سید رضی، خ. ص. ۲۳۰.

۴. ابن ابی الحدید، ۱۱/ ۱۸۰.

۵. سوره مائده / آیه ۵۵.

## ۲-۵. بصیرت افزایی

بصیرت به معنای شناخت حقیقت و قدرت درک صحیح امور است. در کشاکش بحران‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی، جوهره، ظرفیت و باورهای افراد ظهور می‌یابد؛ هر انسانی ممکن است پیش از مواجهه با مشکلات، ادعاهای فراوانی مبنی بر فضایل و داشته‌های فکری، اعتقادی، معنوی و مانند آن داشته باشد؛ ولی این ادعا زمانی رنگ واقعیت را به خود خواهد دید که در هنگام بروز بحران‌های فکری، اعتقادی، اجتماعی و سیاسی نیز همچنان پابرجا و استوار بماند؛ زیرا در این حالات است که توانایی تشخیص حق از باطل و درست از نادرست مشخص شده، ریزش‌ها و رویش‌های بسیاری صورت می‌گیرد و باورهای فکری و ناگفته‌ها و واقعیات درون، به صورت گفتار و رفتار بروز داشته باشد، در روزهای فتنه و فضاهای غبارآلود، مسیر را اشتباه نخواهد پیمود و از توانمندی و جسارت برخوردار با دیگران و اظهار حق و حقیقت برخوردار می‌شود.

بندگان خدا تقوای الهی پیشه کنید همچون تقوای خردمندی که تفکر، قلب او را به خود مشغول ساخته و ..... جاذبه‌های (انحرافی و شیطانی) را از جاده خویش کنار زده و در بهترین و مستقیم‌ترین راه‌هایی که او را به روش مطلوب می‌رساند گام برداشته و امور مشکوک بر او پنهان مانده است و به کمک نور تقوی، حق را از باطل تشخیص داده است.<sup>۱</sup>

ایشان ضمن بیان این نکته که لازمه ورود به مرحله تقوی، آن هم تقوایی که گذر انسان را از صراط آسان نماید، تفکری است که سراسر وجود او را به خود مشغول نماید، اوصاف دهگانه‌ای را برای پرهیزگاران شمارش می‌نماید، از جمله این که متقی با کمک نور تقوا بین حق و باطل تمیز داده، با شناخت جاذبه‌های انحرافی و شیطانی، آن‌ها را از مسیر سیر خود به سوی مطلوب کنار زده و وسوسه‌ها و نیرنگ‌ها و مظاهر زیبا او را نفریفته و امور مشکوک بر او آشکار می‌گردد. لذا در بهترین و مستقیم‌ترین راه‌هایی که او را به مقصد می‌رساند گام برمی‌دارد.<sup>۲</sup>

من شما را به تقوای الهی دعوت می‌کنم که همانا تقوی و پرهیزگاری داروی بیماری دل‌های شما و بینایی برای کوری دل‌های شما و .... زداینده تاریکی چشم‌هایتان و ... روشنی در برابر سیاهی تیرگی‌های شما می‌باشد.<sup>۳</sup>

بنابراین از جمله آثار مترتب بر تقوی، بینایی برای کوری دل‌ها است. یعنی آنگاه که چشم دل بر اثر غفلت‌ها و گناهان و نادانی‌ها، گرفتار نابینایی شده و حقایق بر او پوشیده می‌ماند، این تقوای الهی است که موجب بصیرت و رهایی چشم دل از کوری نادانی می‌گردد.

۱. سید رضی، خ ص ۸۳.

۲. مکارم شیرازی، ۴۰۷- ۴۰۸.

۳. سید رضی، خ ص ۱۹۸.

صفت تقوی نه تنها باعث بیداری دل انسان گردیده و قلب او را نورانی می‌کند، بلکه پرهیزگار با نور عقل و ضمیر روشن خود بر چشم و گوش و قلب دیگران شعله بیداری می‌افروزد. تقوی پیشگان هم خود هدایت شده‌اند و هم دیگران را هم چون راهنمایان دلسوز، رهبری می‌نمایند و مشوق راه یافتگان اند و انداز دهنده کج روان و نکوهش کننده روندگان به چپ و راست.

پروردگار سبحان، یاد خود را روشنی‌بخش دل‌ها قرار داد که در اثر آن، پس از سنگینی گوش، می‌شنوند و پس از کم سوئی چشم، می‌بیند. اینان به نور بیداری، در چشم‌ها و گوش‌ها و دل‌ها نور می‌افشانند<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم (ص) فرمود؛ هرگاه خدا بنده مومنی را دوست بدارد،

جبرئیل نیز او را دوست می‌دارد سپس در آسمان ندا می‌دهد که ای اهل آسمان خدا فلانی را دوست دارد، شما هم او را دوست داشته باشید، آنگاه در میان اهل زمین هم مقبولیتی برای او قرار می‌دهد.<sup>۲</sup>

امام خمینی(ره)؛ پس ای عزیزم، نام نیک را از خداوند بخواه، قلوب مردم را از صاحب قلب خواهش کن که با تو باشد. تو کار را برای خدا بکن، خداوند علاوه بر کرامت‌های اخروی و نعمت‌های آن عالم، در همین عالم هم به تو کرامت‌ها می‌کند، تو را محبوب مینماید، موقعیت تو را در قلوب زیاد میکند، تو را در دو دنیا سر بلند می‌فرماید.<sup>۳</sup>

بصیرت به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم سیاسی جامعه اسلامی در گرو عواملی همچون تقوا و استقامت، دشمن‌شناسی، عبرت‌گیری از تاریخ، تقویت قدرت تحلیل سیاسی، تکلیف‌شناسی، موقع‌شناسی و آینده‌شناسی است که هر فرد مسلمان باید به آن اهتمام داشته باشد و در خود تقویت‌کننداولین عاملی که در کسب بصیرت به انسان کمک می‌کند با توجه به روایات و بیانات مقام معظم رهبری تقویت صبر، استقامت بر ایمان و لوازم آن، رعایت تقوای الهی و پرهیز از مادی‌گرایی و دنیا‌طلبی است. هر چقدر تقوی بیشتر بشه بصیرت انسان بالا میره هر چه بصیرت بیشتر بشود دشمن‌شناسی قوی‌تر می‌شود و زمینه برای ظهور آقا فراهم می‌شود؛ بفهمند امروز دشمن کیست، چه می‌خواهد، چه می‌کند و نقشه دشمن چیست. عقل، این است.<sup>۴</sup>

مطالعه تاریخ و عبرت گرفتن از سرنوشت عوام و خواص در جوامع مختلف و پرهیز از

۱. سید رضی، خ ص ۸۳.

۲. منهج الصادقین، ج ۵-۶ ص ۴۶۱.

۳. امام خمینی(ره) کتاب چهل حدیث.

۴. بیانات حضرت امام خامنه‌ای ۱۵ خرداد ۱۳۷۷

اشتباهات گذشتگان است. در این رابطه امیرالمؤمنین (ع) فرمودند «کسی که از تاریخ و حوادث گذشته عبرت نمی‌گیرد فکر ندارد و کسی که فکر ندارد بصیرت ندارد» آنچه‌ان بیندیش و بیندار که گویا در آینده نزدیک، تو نیز مانند یکی از آنان خواهی بود که دوستانت را رها کرده و به دیار غربت سفر می‌کنند پس بیندیش که باید چه کنی.

به دست آوردن قدرت تشخیص حق از باطل جریان شناسی سیاسی و تقویت قدرت تحلیل سیاسی و جبهه شناسی به این معنا که انسان باید قدرت تحلیل سیاسی خود را بالا ببرد و بداند که جبهه اسلام و حق کدام طرف است و چه دفاع می‌کند و جبهه باطل کدام طرف است و چه اهدافی را دنبال می‌کند. اهداف و شعارهای کدام جبهه با دین خدا سازگاری دارد و کدام جبهه به دنبال ارزش‌های غیر الهی و مادی است.

### ۳. عوامل و اسباب تزکیه جمعی

متعددی در عالم خارج یا درون انسان وجود دارد که هر یک به نوعی در تزکیه انسان نقش دارند که این عوامل عبارتند از: توفیق الهی و امداد غیبی، تمدن‌سازی توسط رهبران الهی. امام صادق علیه السلام نیز در توصیف تقوا فرموده اند: تقوا آن است که آنجا که خدا باید تو را ببیند، و آنجا که نهی کرده تو را نبیند یعنی این که انسان همواره خدا را ناظر اعمال خویش بداند، و حضور او را در زندگیش لمس کند، که اگر انسانها این احساس را داشته باشند به سراغ گناه نمی‌روند.

#### ۳-۱. امداد غیبی

خداوند با تاکید بر صبر پیشگی امت می‌فرماید که چگونه تقوا و صبر موجب می‌شود تا امتی به امدادهای غیب الهی دست یابند.

در برابر دشمنی که به ظاهر از همه امکانات و قدرت‌های سخت و نرم بهره‌مند است پیروز شوند.<sup>۱</sup> بنابراین امت در عمل اجتماعی می‌بایست با حفظ وحدت و یک‌دلی و همدلی، در برابر دشمن پایداری ورزیده و از اصول و مبانی خویش کوتاه نیایند تا به پیروزی و موفقیت دست یابند.

#### ۳-۲. تمدن‌سازی توسط رهبران الهی

علت مهم در دستیابی حضرت یوسف (ع) به حکومت، تقوایی است که ایشان در طول زندگی خویش به اشکال و انواع گوناگون نشان می‌دهد. از این رو با بیان بخشی از تلاش‌های آن حضرت در حوزه عمل بر پایه تقوا، نشان داده می‌شود که چگونه وی در همه امور زندگی خویش، آموزه‌های وحیانی و اعمال نیکو و پسندیده را در نظر داشته است و هیچ‌گاه از آموزه‌های الهی و

عرف و شرع پسندیده عدول نکرده است.<sup>۱</sup>

قرآن مهم‌ترین نمونه بازتاب بینش و نگرش توحیدی و تقوای عملی وی را در داستان زنان به خوبی گزارش می‌کند تا راز رسیدن وی به حکومت را بیان دارد . چگونه با حفظ حرمت‌ها و پاسداشت آموزه‌های وحیانی هنجارهای اجتماعی تقوا در همه عرصه‌های زندگی خویش از آثار و نتایج آن بهره‌مند میشود . در این آیات به خوبی تبیین میشود که کارکردهای تقوا در حوزه عمل اجتماعی حفظ هنجارهای اجتماعی است . حضرت یوسف در محیط آلوده مصر به هنجارهای عام اجتماعی بر پایه تقوای الهی عمل کرده بود .

امتی که از تقوای الهی بهره‌مند است، به حفظ سنت‌ها و آداب و رسوم نیک و سازنده ادامه می‌دهد و در عمل اجتماعی به سنت‌های هنجاری پایبند است . هر چند در قرآن سخن از بزرگداشت شعایر الهی از سوی جامعه متقی است ولی با نگاهی به آیات دیگر میتوان دریافت که هر گونه شعایر و آداب و رسوم نیک و هنجاری عرفی نیز در این حوزه قرار می‌گیرد؛ زیرا خداوند فرمان می‌دهد که مردمان به عرف و معروف پایبند باشند.<sup>۲</sup> عرف و معروف در کاربرد قرآنی هر عمل نیک و پسندیده است. معروف و هنجارهای پسندیده اجتماعی از این قابلیت برخوردارند که مورد تایید قرار گیرند .

در بینش قرآنی برای تقوا کارکردهایی در حوزه تحولات تاریخی جوامع بیان شده است که بسیار مهم و اساسی است . به این معنا که قرآن تبیین می‌کند که تقوای الهی می‌تواند وضعیت جوامع را دگرگون سازد . به این معنا که اگر جامعه‌ای تقوای الهی را در پیش نگیرد دچار بحران فروپاشی و یا کمبود امکانات رفاهی و آسایشی و آرامشی می‌شود؛ چنانکه عمل تقوایی جوامع این وضعیت را دگرگون ساخته و آسایش و رفاه مادی و آرامش فردی و اجتماعی (امنیت) را برای آن جوامع به دنبال خواهد داشت .

تقوای الهی موجب می‌شود که به شکل امدادی و غیب برکات و نعمت‌های الهی سرازیر شود .

۱. سوره یوسف/ آیه ۵۶ و ۵۷ .

۲. سوره مائده/ آیه ۲ .



## نتیجه گیری

با توجه به مطالب مطرح شده نتایج زیر بدست آمده اولاً تقوا و تزکیه و تهذیب نفس، سپری است که از اصابت تیرهای مسموم و ضربه های کشنده شیاطین جلوگیری می کند. تقوا به انسان آزادی می دهد، از اسارت هوی و هوسها آزاد می سازد و رشته های حرص و طمع و حسد و شهوت و غضب را از گردنش بر می دارد. ثانیاً از شواهد وقراین موجود در آیات و روایات دانسته می شود که تقوا از مهم ترین عوامل تزکیه نفس به شمار می رود. خداوند در طبیعت آدمی هم زمینه ارتکاب فجور و هم زمینه کسب تقوا را به ودیعه نهاده و تنها آن کس را اهل فلاح و رستگاری دانسته است که راه تقوا را بر گزیده و بدین وسیله نفس خود را تزکیه نماید و تنها راه دستیابی به تزکیه تقوا عمل است، نه ادعا و حرف و حدیث.

ثالثاً تقوای جمعی عبارتی است در مقابل فجور جمعی و یکی از ارکان بسیار مهم و حیاتی برای حدوث، تداوم و بقاء جامعه اسلامی به حساب می آید و عبارتست از اینکه گروه معین اجتماعی، عمل صالحی را که به صورت فردی امکان تحقق خارجی ندارد، برای رضای الهی انجام دهند و رعایت آن مورد تاکید فراوان قرار گرفته است. تقوای جمعی در واقع حالت و ملکه ای نفسانی در اعضای یک گروه مقید ارزشی است که به جای منفعت «من فردی»، مصلحت «من اجتماعی» و «جامعه» را مقدم داشته و همواره با نگاه آسیب شناسانه درصدد اصلاح، رشد، پیشرفت و نیل به اهداف عالی جمع و یا جامعه خود هستند. رابعاً از مهمترین آثار تقوای جمعی می توان به تمدن سازی، عدالت گستری، ظلم ستیزی، ولایت پذیری، بصیرت افزایی، امدادهای غیبی، نزول برکات الهی و غیره اشاره نمود.

## فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه

- ۱ - بیضاوی، ناصرالدین عبدالله، تفسیر بیضاوی، بیروت، بی نا، ۱۴۱۰ق.
- ۲ - سیدرضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین، ۱۳۸۱، چاپ اول.
- ۳ - دائرة المعارف تشیع، ج ۴، ص ۲۳۶، تهران، انتشارات شهید سعید محبی ۱۳۷۳.
- ۴ - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۲۵.
- ۵ - روزنامه کیهان، شماره ۱۹۹۸۳ به تاریخ ۴/۵/۱۳۹۰، صفحه ۶.
- ۶ - صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی التفسیر القرآن، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰.
- ۷ - طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان، تالیف محمد بیستونی قم، بیان جوان، ۱۳۹۰ش.
- ۸ - علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲.
- ۹ - فخر رازی، تفسیر کبیر، بی جا، بی نا، ۱۴۲۰ق.
- ۱۰ - فرهنگ فارسی معین، محمدمعین. جلد اول، انتشارات ثامن، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۸۲۴ تهران
- ۱۱ - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دارالحدیث، بی تا.
- ۱۲ - مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۴۳، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۱۵ش.
- ۱۳ - محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شفیعی، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۹.
- ۱۴ - محیطی، علی، صراط سلوک، قم، انتشارات آل علی، بی تا.
- ۱۵ - نراقی، احمد، معراج السعاده، قم، انتشارات طوبای محبت، ۱۳۸۵، چاپ اول.

## فهرست مقالات

- ۱ - امینی، ابراهیم، تزکیه و تهذیب نفس، قم، شفق، چاپ هشتم، بی تا.
- ۲ - رجب زاده، تقوا گام نخست تزکیه، پژوهشکده باقرالعلوم، خرداد ۱۳۹۷.
- ۳ - مرکز فرهنگ و معارف قرآن، تقوا و تزکیه نفس، تهران، آذر ۱۳۸۳.
- ۴ - مرکز فرهنگ و معارف قرآن، تزکیه نفس و آثار آن در قرآن، تهران، آذر ۱۳۸۸.